

دمکراسی ناب و غفلت از حقوق دمکراتیک

آن 10 میلیون رای انفجاری که به قیمت نظامی شدن حکومت نصیب احمدی نژاد شد، آراء غفلت مجموعه جنبش اصلاح طلبی و فرصت سوزی های تاریخی آن بود. حاصل نگاه غلط به مقوله دمکراسی ناب و غفلت از حقوق دمکراتیک و اقتصادی مردم. باز گردیم به چهار سال پیش و دلهره توده ای ها از این غفلت:

نزدیک به 5 سال حرکت گام به گام جنبش عمومی مردم ایران برای رفرم و اصلاحات در جمهوری اسلامی و جان سختی مخالفان رفرم و اصلاحات برای حفظ قدرت حکومتی و ادامه غارتگری، کارنامه ای درخشان از شناخت گسترده مردم ایران از آنچه که طی دهه دوم جمهوری اسلامی در ایران گذشته بر جای گذاشته است.

آن ها که خواب بودند بیدار شده اند و آن ها که بیدار بودند اما تنها و بی یاور، اکنون وسیع ترین آگاهی ممکن توده های مردم بیدار شده را پشتوانه هر اقدام جسورانه ای دارند که تحولات به تعویق افتاده را تحقق ببخشند.

در چنین فضائی مخالفان تحولات به همان اندازه در کمین فرصت برای مهار جنبش و حفظ موقعیت حکومتی خود هستند، که طرفداران رفرم و اصلاحات باید در کمین آن باشند. به همان اندازه که مخالفان اصلاحات می کوشند برای خویش فرصت بسازند، طرفداران اصلاحات نیز وظیفه ای تاریخی برای ایجاد فرصت و بهره برداری از آن را دارند.

آن خطر بزرگی که اکنون جنبش را تهدید می کند، درست از همینجا، یعنی از درک فرصت های و فراهم ساختن فرصت هاست.

...

آزادی سیاسی به خودی خود و بدون جهت گیری طبقاتی هیچ مفهومی ندارد. نه امروز مفهومی دارد و نه در طول تاریخ مفهومی داشته است. آزادی سیاسی بدون جهت گیری اقتصادی هرگز معنا و مفهومی ندارد و بار طبقاتی آزادی های سیاسی از همین مرز آغاز می شود. آن کس که چپاول می کند آزاد است و نیازی به آزادی ندارد و آنکه چپاول و غارت شده است آزادی را برای گرفتن گریبان غارتگری که سفره اش را خالی کرده می خواهد. با همین شناخت، وقتی امثال اکبرگنجی کمر همت برای افشای عالیجنابان خاکستری بسته بودند، ما بانگ برداشتیم که "عالیجنابان اقتصادی را افشاء کنید!" آن فرصت از دست رفت اما ضرورت این افشاگری بر جای خود باقی ماند و در لحظات کنونی بیش از هر زمان دیگری اهمیت آن احساس می شود.

اگر از بیان صریح و ساده واقعیات اقتصادی جامعه برای مردم خود داری شود، نیرو و ظرفیت موجود در جنبش را همان ها که بزرگترین متهمین وضع کنونی اقتصادی کشورند به سود خود به حرکت در خواهند آورد و آن را به سمت اصلاح طلبان منحرف خواهند کرد. آنها نه تنها خواهند توانست از این فرصت استفاده کرده و خود را از زیر ضربه بیرون بکشند، بلکه با همراهی های عوامفریبانه خواهند توانست بخش هایی از جنبش را با خود همراه کنند!

ادامه این بهره گیری از فرصت ها توسط مخالفان تحولات و تعلل نیروهای اصلاح طلب و طرفدار جنبش در استفاده از فرصت و گشودن پرونده های غارتگری و چپاول اقتصادی به سرعت برق و باد همان فرصت طلایی را برای مخالفان اصلاحات فراهم می آورد که در شیلی برای ژنرال های ارتش فراهم آورد. آن ها توانستند با بهره گیری از فرصت های مشابه و با وعده بهبود وضع اقتصادی کشور، در حالی علیه دولت ملی دکتر آلنده کودتا کنند، که مردم به نظاره گر اوضاع تبدیل شده بودند.

آنچه که اجتماعی معملین در برابر مجلس فراهم آورد يك فرصت تاریخی بود تا نمایندگان مجلس با صراحت با آن ها سخن گفته و واقعیت ها را بازگو کنند. مردم تفسیر و تحلیل نمی خواهند، از اشاره و غیر مستقیم گوئی نیز خسته شده اند. باید به قلب هدف زد تا مردم را برای یورش به سنگر مخالفان اصلاحات بسیج کرد. چنین اراده ای در مجلس ششم و در دولت هنوز ضعیف است و این ضعیفی است بزرگ!

آیا لحظه افشاگری های جسورانه اقتصادی پیرامون نهاد رهبری و ارگان های وابسته به آن بعنوان لانه بزرگ فساد اقتصادی نرسیده است؟ زمان بازگشائی پرونده مالیاتی این نهادها و شرکت های باصطلاح دولتی و در اصل وابسته به همین نهادها و بنیادها نرسیده است؟ زمان بازگشائی پرونده اقتصادی دوران باصطلاح دوران سازندگی نرسیده است؟ زمان بازگشائی دفاتر بانکی و بیرون کشیدن اسامی کسانی که وام های دریافتی از صندوق بین المللی پول در دوران هاشمی رفسنجانی را به حساب های شخصی واریز کردند نرسیده است؟ کمیته امداد امام را نباید بازرسی اقتصادی کرد و حساب و کتابش را به مردم اعلام کرد؟ آن درصدهائی که از صدور نفت و گاز و معاملات نفتی و خرید اسلحه به جیب آقایان و حساب های بانکی شان ریخته شده نباید بررسی و اعلام شود؟ موجودی سال به سال سه آستانقدس رضوی، حضرت معصومه و شاه عبدالعظیم نباید در کنار موجودی حوزه های علمیه قم، مشهد، اصفهان و شاه چراغ شیراز اعلام شود و برای مردم روشن شود که آن ها در کدام امور اقتصادی فعال هستند؟ کانال انتقال میلیاردها دلار در 2 سال گذشته به نهادهای تبلیغات اسلامی در انگلستان و سازمان های اسلامی در لبنان و دیگر نقاط جهان کدام بوده است و حساب و کتابش کجاست؟

اینها را باید گفت تا معلمین و کارگران و کارمندان بدانند برای چه باید به خیابان بیایند و گریبان چه کس و کسانی را باید بگیرند.

زمزمه می شود که در صورت برخی افشاگری های اقتصادی جبهه دوم خرداد دچار انشعاب می شود. ما با صراحت می گوئیم که هیچ جبهه ای تا ابد با ترکیب اولیه خود باقی نمی ماند، اگر باقی بماند نیز به معنای رکود عمل و تحرك آن جبهه است. از درون هر جبهه متحرك و پویائی عده ای خارج می شوند و در عوض جمعی افزوده می شوند. بیش از نگران از جدائی ها، باید نگران نپیوستن نیروهای جدید به جبهه بود. ما امیدواریم کنگره دوم خرداد به این مسائل گرهی بیاندیشد و فضای بسته جبهه حکومتی را به سود فضای جنبش باز کند. این جسارت را دیروز که هنوز به نیروهای ملی- مذهبی یورش برده نشده بود باید به کار گرفته می شد و امروز - تا تاخیر نشده- برای جلب و جذب همه نهادهای مدنی بی اعتناء به تبلیغات فاشیستی "خودی" و "غیرخودی".

در هر تحول اجتماعی آن جریان سیاسی که لحظه اقدام را با توجه به برآورد نیروها زودتر تشخیص داده و جسورانه عمل کند، در میدان رهبری باقی می ماند!

زمان افشاگری های بزرگ اقتصادی و جذب و جلب همه نیروها به گسترده ترین جبهه ها فرا رسیده است. در غیر اینصورت فرصت ها از دست رفته و همراه آن جمهوریت نیز اگر قربانی حکومت نشود، قربانی سلطنت خواهد شد!